

۱۵۵۱۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشریحات ایرانیان

و مسکرات و مخدرات
از سفویه تا قاجاریه

رودی مته

مترجم: مانی صالحی علامه



سرشناسه : متی، رودلف، پیزو ۱۹۵۳ - م.
Matthee, Rudolph P

عنوان و نام پدیدآور : تفریحات ایرانیان، مسکرات و مخدرات از صفویه تا قاجاریه. رودی متی؛ مترجم
مانی صالحی علامه.

مشخصات نشر : تهران: نامک، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۴۴۸ ص.: مصور

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۹۵-۰۲-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیت

یادداشت : عنوان اصلی: The pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 155-1900

یادداشت : نمایه.

موضوع : سوء مصرف دارو -- ایران -- تاریخ

موضوع : Drug abuse -- Iran -- History

موضوع : داروها -- ایران -- کاربرد -- تاریخ

موضوع : Drug utilization -- Iran -- History

موضوع : مواد محرک -- ایران -- تاریخ

موضوع : Stimulants -- Iran -- History

شناسه افزوده : صالحی علامه، مانی، ۱۳۴۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹ م ۲ الف / H۷۵۸۴۰

رده‌بندی دیویی : ۳۶۲/۲۹۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۲۵۷۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:
THE PURSUIT OF PLEASURE
Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900
RUDOLPH MATTHEE
Princeton University Press © 2005

نامک در زبان پهلوی (فارسی میانه) به معنی ستار و نام است.
تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶



تفریحات ایرانیان
مسکرات و مخدرات از صفویه تا قاجاریه
نویسنده: رودی متی
مترجم: مانی صالحی علامه
چاپ اول: ۱۳۹۸ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: کارا / چاپ: کهنمویی
قیمت: با جلد نرم ۶۰۰۰ تومان، با جلد سخت ۶۸۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-6895-02-7

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۹۵-۰۲-۷

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.
تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

بخش: پارسه ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵، داخلی ۱

فهرست

۹	مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۵	پیش سخن
۱۹	درآمد

بخش اول دوران صفویه

۳۷	
۳۹	فصل اول: نگاهی کلی: ایران از سال ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی
۳۹	ایران صفوی
۴۱	پیشینه
۴۲	ایران در قرن دهم / شانزدهم
۴۶	شاه عباس اول
۴۹	دوران بعدی صفویان
۵۴	پس از سقوط اصفهان
۵۶	دوران قاجار
۶۵	فصل دوم: شراب در ایران صفوی: افراط و پرهیز
۶۵	مقدمه: سوابق تاریخی
۷۰	الف. تأثیر خارجی: آسیای مرکزی و قفقاز
۷۴	ب. دوران صفویه، الکل در جامعه
۷۹	ج. الکل در دربار سلطنتی
۹۵	د. از مراسم عمومی تا خوش گذرانی خصوصی
۱۰۲	نتیجه گیری

فصل سوم: شراب در ایران صفوی (بخش دوم) تردید و ابهام و ممنوعیت ۱۰۷

مقدمه ۱۰۷

الف. توبه صادقانه شاه طهماسب ۱۱۱

ب. شاه عباس اول ۱۲۱

ج. اقدامات در دوران شاه صفی و شاه عباس دوم (۷۷-۱۰۳۸ / ۱۶۶۶-۱۶۲۹) ۱۲۵

د. شاه سلیمان و شاه سلطان حسین ۱۳۴

نتیجه گیری ۱۳۹

فصل چهارم: افیون در ایران صفوی: ماده مخدر مرسوم ۱۴۳

درآمد ۱۴۳

الف. افیون در دوران صفوی ۱۴۵

ب. افیون در دراز مدت ۱۴۸

ج. استعمال افیون در میان مردم مادی ۱۵۴

د. انواع ۱۵۶

۱. کوکنار ۱۵۶

۲. بنگ و حشیش ۱۵۸

ه. ممنوعیت ۱۶۲

نتیجه گیری ۱۶۷

فصل پنجم: دخانیات در ایران صفوی: لذت و منع ۱۶۹

مقدمه ۱۶۹

الف. ورود و معرفی توتون و تنباکو ۱۷۱

ب. قلیان ۱۷۸

ج. قبول عامه، کشت و کار و تجارت ۱۸۱

د. طبقه و جنسیت ۱۸۷

ه. مقاومت: انتقاد، ممنوعیت، و تسلیم ۱۹۱

نتیجه گیری ۲۰۰

بخش دوم ۷

فصل ششم: قهوه در ایران صفوی: تجارت و مصرف	۲۰۳
مقدمه	۲۰۳
الف. بازرگانی	۲۰۵
ب. مصرف	۲۲۲
نتیجه گیری	۲۳۸

بخش دوم دوران قاجار

۲۴۱

فصل هفتم: شراب، رایزن قاجاری: از نادیده گرفتن احکام شریعت تا به رخ کشیدن بی دینی	۲۴۳
الف. مقدمه: مابین سفوف و قاجارها	۲۴۳
ب. عصر قاجاریه: شاه و شراب	۲۴۶
ج. مقامات حکومتی	۲۵۲
د. طبقات بالا	۲۵۷
ه. فقرا و فرودستان	۲۵۹
و. ابهام و دوگانگی	۲۶۲
ز. اوضاع شیراز	۲۶۴
ح. اقدامات ضد مشروبات الکلی و ممنوعیت ها	۲۶۹
ط. گزارش وضعیت مصرف مشروبات الکلی	۲۷۲
نتیجه گیری	۲۷۹

فصل هشتم: افیون و دخانیات در ایران قاجاری: از لذت و تفریح تا محصولی برای فروش و نماد ملی	۲۸۳
افیون	۲۸۳
الف. گذار به عصر قاجار: استمرار و پیوستگی	۲۸۳
ب. از خوردن به کشیدن	۲۸۸
ج. تریاک همچون محصول کشاورزی برای فروش	۲۹۱
د. اعتیاد	۲۹۹

۳۰۲	توتون و تنباکو
۳۰۲	الف. استمرار و تداوم
۳۰۶	ب. آداب معاشرت و مهمان‌نوازی
۳۱۳	ج. نهضت تنباکو
۳۱۸	نتیجه‌گیری

۳۲۱	فصل نهم: از قهوه به چای: تغییر الگوهای مصرف در ایران قاجاری
۳۲۱	مقدمه
۳۲۲	الف. بنای در عصر صفویه: محبوبیت و گسترش
۳۲۶	ب. تزیین قهوه و مصرف چای
۳۳۲	ج. توزیع چای و قهوه
۳۳۷	د. از قهوه به چای
۳۵۵	نتیجه‌گیری

۳۵۹	فصل دهم: چای نوشیدن در قهوه‌خانه است مصرف در ایران قاجاری
۳۵۹	مقدمه
۳۶۰	الف. محبوبیت و رواج چای و بازپیدا شدن «قهوه‌خانه»
۳۶۷	ب. نقش دولت و حکومت
۳۷۱	ج. تعطیل کردن قهوه‌خانه‌ها
۳۸۵	نتیجه‌گیری

۳۸۷	نتیجه‌گیری
۴۰۳	کتابنامه
۴۳۳	نمایه

مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی

مایه بسی خرسندی من است که مقدمه‌ای برای خواننده ایرانی بر ترجمه کتابم درباره تاریخچه مخدرات و مسکرات در ایران دوره صفوی تا دوره قاجار ارائه می‌کنم. در اینجا لازم می‌دانم چند نکته را به آنچه در مقدمه اصلی کتاب آورده‌ام بیافزایم. پیش از هر چیز به حساسیت موضوع انسان دارم، یعنی همان مصرف مواد مخدر و مشروبات سکرآور. در هر جامعه‌ای هر چه که مغز را زایل می‌کند انزوای اجتماعی، انحراف، جرم و جنایت، رفتار غیرمتعارف و غیرقانونی و به‌طور کلی وجوهی از زندگی را با خود به همراه می‌آورد که تصویری را نشان می‌دهد که شاید از جامعه ارائه می‌دهد. البته این سخن شاید عده‌ای را آزار دهد و بخواهند با دیده اغماض به جنبه‌های منفی جوامع خود بنگرند یا به کلی از مسائل آن جنبه‌ها را انکار کنند، چرا که با تصویر آرمانی که از جامعه و گذشته خود دارند سازگار نیست. شاید هم تصورشان بر این است که اگر به تاریخچه موضوعاتی چون استعمال مواد مخدر در جامعه‌شان بپردازند به مردم و سرزمین خود بدی و بدخواهان را شاد کرده‌اند.

پاسخ من به این افراد پاسخی روشن و ساده است. مخدرات و مسکرات متعلق به زمان و مکان خاصی نیست. همه جوامع بشری در طول تاریخ از آنها استفاده و حتی سوءاستفاده کرده و گروهی از مردمان‌شان بیمارگونه به آن مواد اعتیاد پیدا کرده‌اند. از آغاز تاریخ، مردم مواد مخدر و مستی‌زایی را که از طبیعت به‌دست می‌آمد مانند تریاک، حشیش و الکل مصرف می‌کرده‌اند تا احساس سرخوشی کنند و به‌نوعی از زندگی ملال آور و یکنواخت و بی‌روح خود بگریزند. این مواد انسان‌ها را به‌طور گذرا در فضایی توهم‌زده که در ذهن خود خلق می‌کنند پرواز می‌دهند، گویی گریزی است از آلام تن یا

زخم‌های روحی و روانی که به قول صادق هدایت «مثل خوره در انزوا روح را آهسته می‌خورد و می‌تراشد، دردهایی که تنها داروی آن فراموشی به‌توسط شراب و خواب مصنوعی به وسیله افیون و مواد مخدره است».

طی پنج سده گذشته و در پی «انقلاب بازرگانی»، مردم در گوشه و کنار دنیا به مواد مخدر و نیروزایی چون قهوه، چای و تنباکو دسترسی پیدا کردند و به دلایل گوناگونی آنها را مصرف می‌کردند: عده‌ای روز خود را با استعمال یا نوشیدن آنها آغاز می‌کردند، زندگی روزانه خود را با آنها تنوع می‌بخشیدند یا آنها را وسیله‌ای قرار می‌دادند برای معاشرت با دیگران.

مشکل زمان و ایران هم از این حکایت مستثنی نبود. البته در جامعه‌ای مانند ایران سخن گزن درباره مواد مخدر از حساسیت قابل توجهی برخوردار بوده است که تا حدودی به نگاه ایرانیان به زندگی و گذشته‌شان برمی‌گردد. اشاره من بیشتر به سنتی آرمان‌گرایانه نزد شاعران و متفکران ایران است که آرزو داشتند به عوض آشکار و عریان کردن حقایق جامعه به موضوعات دیگری بپردازند یا حقایق را به گونه دیگری و به زیبایی توصیف کنند. در ماسفه‌شان، در مطالعه آسمان و نیروهای ماورایی و قلمرو ربانی در تجزیه و تحلیل ماضی، در سرخوشی‌های ادبی‌شان در شعر و ادبیات همه و همه سعی در اعتلای مقام انسانی و نگاه او در دنیای فرازمینی داشته‌اند. سنت تاریخ‌نگاری در ایران هم در مواجهه با حقایق پر همین منوال بوده است. تا زمان به‌کارگیری اصول و روش‌های نوین تاریخ‌نگاری در ایران که بیشتر به دوره پس از انقلاب مشروطه برمی‌گردد، تاریخ‌نویسی در ایران کلیشه‌ای بوده و توسط نخبگان جامعه که غالباً مقامات درباری و در خدمت پادشاهان بودند صورت می‌گرفت. تاریخ‌نگاری سنتی ایران بیشتر متمرکز بر احوال خواص جامعه بوده و جنبه انزواگرایانه داشته است. سعی بر آن بوده تا آراء و احوال «اهل الحل و العقد» و همچنین فرمانروایان و اطرافیان‌شان و حکمرانان و خوانین مورد توجه قرار گیرد. در این میان فتوحات جنگی در میدان نبرد و عدالت و بزرگواری فرمانروا مورد ستایش و تجلیل واقع می‌شده است. بنابراین در این سنت تاریخ‌نگاری، کمتر زندگی روزمره مورد توجه مورخان بوده است. مردم معمولی و عوام‌الناس مورد بی‌توجهی بودند، مگر آن‌که عهد وفاداری شکسته و قیام می‌کردند و دست به شورش می‌زدند، که در این صورت هم به ناشایستی و ناسپاسی از آنها در تواریخ یاد می‌شد.

مواد مخدر در ایران هم مورد استعمال نخبگان بوده و هم مردم معمولی، بخصوص

استعمال تریاک بیش از دیگر مواد مخدر مرسوم بود. اما به استثنای برخی گزارش‌ها، منابع مکتوب در این زمینه محدود است، شاید به خاطر این که استعمال تریاک امری رایج بوده و بنابراین عادی شمرده می‌شده و چندان به چشم گزارشگران نمی‌آمده است. باده‌نوشی هم در ایران مرسوم بوده و الکل در سنت ادبی ایران جایگاه غیرقابل انکاری دارد. جای شعر کهن ایرانی از جمله آثار شعرای بزرگ و نامی از منوچهری تا حافظ مملو از اشاراتی است به شراب‌نوشی و باده‌گساری. واقعاً و سوسه‌انگیز است که شراب و انگ و زیبایی‌اش در انعکاس نور و حتی خاصیت سکرآور آن را استعاره‌ای بدانیم از سقو عرفانی و آسمانی. حتی معمولاً تأکید می‌شود که در ادب فارسی به شراب با بین کیفیت بی‌نگریم. همچنین شواهد بسیاری، گویای آن است که در عمل بسیاری از عرفا از نوشیدن شراب پرهیز نمی‌کردند. علاوه بر عرفا، دولتمردان هم غالباً شرابخواری می‌کردند و بسیاری در نوشیدن افراط می‌کردند، درحالی که مردمان معمولی بیشتر آب می‌نوشیدند. جالب است که تاریخ‌نگاران سنتی ایران که در وصف نقاط ضعف و عیوب اخلاقی و اجتماعی جامعه غالباً سکوت می‌کردند، در خصوص شرابخواری پادشاهان و اطرافیان آنها سخن فراوان گفته‌اند و آن را امری طبیعی برای پادشاهان و آشکارا حق شخص قدرتمند و ارجمند و مراسم شاد درباری از جمله عید نوروز جلوه داده‌اند.

با این حال صحبت کردن در مورد شرابخواری در ایران مشکل بوده است. ایران کشوری با اکثریت مسلمان است و اسلام دین رسمی کشور است. اسلام مسلمانان را از مصرف الکل باز می‌دارد، عمدتاً به این دلیل که الکل ذهن را خندش می‌کند و مانع انجام وظایف دینی فرد می‌شود. در نتیجه به‌طور کلی سخن گفتن در مورد الکل حتی اگر تابو هم نباشد مشکل است. البته در ایران و به‌طور کلی در جوامع اسلامی همیشه زمینه برای نقض این ممنوعیت به‌نوعی با نادیده گرفتن شراب‌نوشی در حریم خصوصی افراد، تا حدی که به برهم زدن حوزه عمومی نیانجامد، فراهم بوده است.

تحلیل چنین مباحثی در بستر تاریخی ایران هدف اصلی نگارش این کتاب است. این کتاب سعی دارد تا تاریخچه شرابخواری، خودداری از آن یا تظاهر به منع آن درحالی که در عمل ممانعتی از آن صورت نمی‌گرفته را مورد بحث قرار دهد. البته این کتاب منحصر به تاریخچه مصرف الکل نیست. همان‌طور که گفتیم بیشتر مردم ایران و به‌خصوص مردم معمولی لب به الکل نمی‌زدند، بلکه به‌جای آن آب می‌آشامیدند. مصرف تریاک نقش مهم‌تری در جامعه ایران داشته و از دیگر موارد مورد بحث کتاب است. در اصل، نقشی

که الکل در جوامع غربی بازی می‌کرده، تریاک به‌طور سنتی در ایران ایفا می‌کرده و شاید جایگزینی برای الکل بوده، چرا که در قرآن ذکری از آن نشده و در اسلام ممنوع نبوده است. تا همین اواخر، اکثر افراد فقیر به مقدار محدودی در حد چند حبه در روز استعمال تریاک می‌کردند تا کار سخت روزانه با عایدی ناچیز را تاب آورند. تریاک و مشتقات آن همچنین مرهم اصلی برای آلام مردمی بود که به دارو و امکانات پزشکی کمتر دسترسی داشتند. نیم دیگر کتاب، به محرک‌های دیگر می‌پردازد، آنهایی که مصرفشان ایراد و اشکالی نداشته و حتی مانند چای و تا حدودی قهوه جزو برنامه اصلی غذای ایرانیان معاصر قرار گرفتند و البته تنباکو که در جامعه ایرانی مصرف بسیار داشته است.

در نوشتن این کتاب من چند منظور را دنبال و سعی کرده‌ام به اهداف مورد نظر در آن دست یابم. در درجه اول تلاش کرده‌ام تا تصویری صادقانه از مصرف مخدرها و محرک‌ها در دوره بین‌ظهور صدیانیان تا آغاز دوره مدرن در ایران یعنی با انقلاب مشروطه ارائه دهم. دومین هدف این - لب - رجه خوانندگان و محققان به اهمیت جنبه‌های مادی فرهنگی (Material Culture) برای درک بهتر یک جامعه البته در اینجا با تأکید بر موارد مصرف بوده است.

لزوماً نباید پیرو مارکسیسم بود تا بررسی جنبه‌های مادی فرهنگ یک جامعه را بازشناخت. شاید چیزی در زندگی روزمره ملموس‌تر، اساسی‌تر از اشیایی که اطراف ما قرار دارند و بی‌آنکه به آنها بیاندیشیم مورد استفاده قرار می‌دهیم، وجود نداشته باشد: محلی که در آن زندگی می‌کنیم، وسایلی که استفاده می‌کنیم، غذایی که می‌خوریم، وسایل حمل و نقل و البته مواد مخدر و محرک زندگی چیزهایی‌اند که به قدری عادی و جزوی از زندگی به نظر می‌رسند که گویی به چشم نمی‌آیند و به آنها توجه نمی‌کنیم. به همان اندازه که یک شعر هویت و شخصیت ما را نشان می‌دهد، غذایی که می‌خوریم و مشروبی که می‌نوشیم هم دربارهٔ این که ما چه شخصیتی داریم و دربارهٔ حرمت نهادن به دیگران، روابط جنسیتی و آداب اجتماعی چه می‌اندیشیم، تعیین‌کننده است.

در این کتاب همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، من به بررسی چند محصول نیروزا، نشه‌زا و مستی‌بخش پرداخته‌ام. هم موارد بومی مانند تریاک و شراب را بررسی کرده‌ام و هم محصولات وارداتی مانند چای، قهوه و تنباکو را. داستان جالب این محصولات وارداتی را که ریشه در کجا دارند و چگونه به ایران راه یافتند و بومی‌سازی شدند بازگو کرده‌ام.

تمام اینها وقتی صورت گرفت که ایران طی مراحل اولیه جهانی شدن و در عصر سلطه امپراتوری‌ها به جهان خارج متصل شد. من در ادامه شرح داده‌ام که چگونه چای نزد ایرانیان به مرور و پس از سقوط صفویه از قهوه محبوب‌تر شد و چرا ایرانیان نوشیدن قهوه را ترک گفتند و در مکانی که همچنان قهوه‌خانه نامیده می‌شود به نوشیدن چای روی آوردند. من همچنین به تضاد میان ممنوعیت قانونی و انگیزه‌های مالی در خصوص چای، قهوه و تنباکو پرداخته‌ام. بین زندگی به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها، فرامین و دستورات و محدودیت و ممنوعیت‌ها و زندگی آن‌گونه که مردم می‌زیستند: نافرمانی‌ها، توجیه کردن‌هاشان و ریاکاری اخلاق‌گرایان مذهبی و غیرمذهبی برای ظاهرسازی و سرپوش گذاشتن بر اختلاف میان این دو رویه زندگی عصر پیشامدرن تمایز قائل شده‌ام. در نهایت استدلال من این است که افراط و تفریط، لذت‌جویی و پرهیزگاری همواره در تاریخ ایران در کشمکش سازنده با یکدیگر همگام بوده‌اند. و البته دستاورد بزرگ من در نوشتن این کتاب آن بوده که خوانندگان ایرانی چیزی درباره تاریخ گذشته‌شان بیاموزند و به بخش‌هایی از آن با نگاه دیگری نظر بیافکنند.

در پایان از تمامی کسانی که در ترجمه و انتشار کتاب همت گماردند قدردانی می‌کنم، بخصوص آقای مانی صالحی علامه که پیش از من کتاب زوال صفویه و سقوط اصفهان را به فارسی ترجمه کرده است. این بار هم وی این کتاب را به فارسی شیوایی برگردانده است. همچنین از مدیر انتشارات نامک و آقای هاشمی‌پور هم که با اشتیاق فراوان ترجمه این کتاب را پیشنهاد دادند بسیار سپاسگزارم. به واقع به جامعه فرهنگی و صنعت چاپ و نشر ایران باید تبریک گفت که چنین افراد پشتنار و بی‌شروان آنند.